



## چالش‌های توسعه سیاسی در عربستان سعودی در دوران بن سلمان با تأکید بر مدل برنارد کریک\*

دکتر ابراهیم برزگر - دکتر محمدباقر خرمشاد

دکتر عباسعلی رهبر - عبدالرضا عالیشاهی



This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

مفهوم توسعه سیاسی و کاربست آن در نظام سیاسی عربستان سعودی به سبب استقرار یک نظام پادشاهی محافظه‌کار همواره با چالش‌های عمیقی مواجه بوده است. این مسأله به ویژه با حمایت‌های همه‌جانبه و هابیسمنتی به مثابه مهم‌ترین مرجعیت مذهبی مشروعیت بخش پادشاهان سعودی تحقق توسعه در این کشور را دشوارتر نموده است. هرچند حضور محمد بن سلمان در عرصه قدرت و سیاست‌های اصلاح‌طلبانه او نویدگذار جامعه سنتی سعودی‌ها به سمت یک نظام توسعه یافته می‌داد، اما اقدامات وی در عمل نشان‌دهنده تشدید چالش‌ها و تعمیق برخی از بحران‌ها در عرصه‌های خارجی و حتی داخلی بوده است. در این مقاله، پرسش اصلی این است که مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی عربستان با تأکید بر دوره بن سلمان چیست؟ نتیجه نشانگر آنست که علیرغم انجام اصلاحات بن سلمان، کماکان این کشور ذیل یک نظام اقتدارگرایانه قرار دارد. یافته‌های مقاله با بهره‌گیری از مدل برنارد کریک، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی و توصیفی نشان‌دهنده این مسأله است که توسعه سیاسی در نظام عربستان سعودی با مشکلات شش‌گانه اساسی مواجه است.

### کلیدواژگان

عربستان سعودی، محمد بن سلمان، نظام پادشاهی، محافظه‌کاری، توسعه سیاسی

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری عبدالرضا عالیشاهی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی است.

— نویسنده مسئول، استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی / ایمیل: [Barzegar@atu.ac.ir](mailto:Barzegar@atu.ac.ir)

— استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

— دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

— دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

## مقدمه

توسعه سیاسی از جمله مفاهیم مهم سیاست است که دلالت بر بهبود کارکرد یک نظام در مسائلی همچون طبقات اجتماعی، میزان محرومیت‌ها، مردمی بودن حکومت و سیاست و توانمندی یک نظام در حل بحران‌های سیاسی، مشارکت مردمی در عرصه‌های سیاسی، میزان آزادی‌های سیاسی و... دارد. این مفهوم پس از جنگ جهانی دوم وارد علم سیاست شد و تعاریف متفاوتی از سوی دانشمندان علم سیاست از آن صورت پذیرفت. لوسین پای<sup>۱</sup> افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌داند. به اعتقاد آلموند و پاول<sup>۲</sup> ظرفیت سازگاری، حفظ و تطبیق‌پذیری سیستم سه نشانگان مهم توسعه سیاسی است. هانتینگتون<sup>۳</sup> معتقد است هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. لئونارد بایندر<sup>۴</sup> عناصر توسعه سیاسی سه عنصر برابری، ظرفیت و تکثر یا انفکاک ساختاری می‌داند (AbediArdakani and Soltani, 2020: 631-632). لذا می‌توان توسعه سیاسی را به مثابه فراگردی دانست که ساختارهای لازم را برای نهادینه کردن و مشارکت طیف‌های مختلف سیاسی فراهم و مهم‌ترین هدف خود را به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر سوق دهد (Jilson, 2019:366).

مسئله مهم در این میان این است که تعاریف فوق جهت‌نیل به توسعه سیاسی تا چه میزان قابلیت تعمیم به نظام‌های غیرغربی را داراست؟ به عبارتی دیگر، به رغم ظهور سیاستمداران حامی الگوی توسعه غربی در کشورهای جهان سوم و اقدامات و اصلاحات گسترده ساختاری و سیاسی، در عمل می‌بینیم که مفهوم توسعه چگونه که باید در آن جوامع پیاده‌سازی نشده است. این مسئله در نظام‌های پادشاهی همچون عربستان سعودی که مفاهیمی همچون مشارکت، آزادی، نظام پارلمانی وضعیت زنان و... با مشکلات ساختاری و ریشه‌ای عدیده‌ای مواجه است، ملموس‌تر می‌باشد.

با حضور محمد بن سلمان در سمت ولایتعهدی و توسعه روابط با ایالات متحده اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌ها و رویکردها از سوی وی، نظام سعودی‌ها را با استحاله‌ای عمیق مواجه

<sup>1</sup>. Lucian W. Pye

<sup>2</sup>. Gabriel A. Almond and Bingham Powell

<sup>3</sup>. Samuel Phillips Huntington

<sup>4</sup>. Leonard Binder

نمود (Ghattas, 2020: 289-290). تحولات عمیق در حقوق زنان، موافقت با ساخت کلیسا در عربستان، چالش‌های عمیق با علمای رادیکال وهابی و طرح و اجرای برنامه توسعه ۲۰۳۰ در این کشور را می‌توان در راستی آزمایشی این مسأله مطرح نمود. سیاست‌هایی که با حمایت‌های وسیع دونالد ترامپ، جرد کوشنر و برخی دیگر از متحدین استراتژیک بن سلمان همراه بوده است. اعمال چنین سیاست‌های اصلاح طلبانه ای در سطوح بالا، نویدتحقق توسعه سیاسی در عربستان می‌داد اما اقدامات بن سلمان در عمل، نشان‌دهنده تشدید چالش‌ها و تعمیق برخی از بحران‌ها در عرصه‌های خارجی و داخلی بوده است.

به همین سبب مقاله کنونی جستاری است در ارائه پاسخی مستدل به این سوال که مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی عربستان با تأکید بر دوره بن سلمان چیست؟ یافته‌های مقاله همانگونه که در ادامه خواهیم دید دهنده این است که توسعه سیاسی در نظام عربستان با مشکلات شش گانه اساسی مواجه است. نحوه گردآوری منابع در این مقاله استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحقیق نیز مبتنی بر روش تحلیلی توصیفی می‌باشد.

#### ۱- پیشینه

عبدالله قنبرلو در مقاله ای باعنوان «تحولات اقتصادی و ثبات سیاسی در عربستان سعودی» (۱۳۹۶) درصدد پاسخ به این سؤال بوده که با توجه به واقعیت‌ها و روندهای جاری در عربستان، چه تغییراتی در توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی این کشور قابل انتظار است؟ به عقیده نویسنده وضع موجود در ساختار اقتصادی عربستان حداقل در کوتاه‌مدت تداوم یافته و وابستگی اقتصادی و سیاسی دولت به رانت نفت قطع نخواهد شد. دولت سعودی از درآمدهای نفتی هم برای رفاه عمومی و هم کسب مشروعیت و ثبات سیاسی خویش بهره می‌برد. عده‌ای از مقامات سعودی معتقدند با ادامه وضع موجود، هم رفاه ملی و هم ثبات سیاسی کشور در آینده‌ای نه چندان دور در معرض خطر قرار خواهد گرفت. بنابراین لازم است شرایط گذار به یک اقتصاد متنوع و رقابتی را فراهم کرد.

خلیل الله سردارنیا و حسین نوروزی امیری در مقاله ای باعنوان «فرهنگ سیاسی در عربستان؛ تحلیل ایستایی و چالش‌های فرارو» (۱۳۹۳) درصددند به این پرسش پاسخ دهند که چرا فرهنگ سیاسی تابعیتی در جامعه عربستان از استمرار و ایستایی برخوردار بوده و مهم‌ترین دلایل دگرذیسی قابل توجه در فرهنگ سیاسی سعودی‌ها به‌ویژه تحصیل کرده‌ها و جوانان شهری از فرهنگ تابعیتی به سمت فرهنگ مشارکتی را بررسی و تحلیل کنند. نگارندگان بر این باورند که چنین تحولی در فرهنگ سیاسی از دهه ۱۹۹۰ به این سو، به‌ویژه در دو سال اخیر چالش‌های جدی

برای حکومت سعودی ایجاد کرده است. این چالش‌ها در آینده جدی‌تر شده و حکومت را به پذیرش اصلاحات بیشتر ملزم خواهد ساخت.

بن هوبارد<sup>۱</sup> در کتابی با عنوان: «محمد بن سلمان: ظهور برای قدرت بن سلمان» (۲۰۲۰) معتقد است آنچه برای بن سلمان مهم است رسیدن به پادشاهی عربستان است. بن سلمان برای نیل به این هدف، تمامی مساعی خود را برای اقناع غرب به ویژه ایالات متحده به کار گماشته است. اصلاحات شتابزده و عمیق و گام برداشتن در راه مدرنیزاسیون غربی همگی دلالت بر این مسأله دارد که وی خواهان ارائه یک تصویر غرب‌گرا در میان متحدین خود دارد. نکته مهمی که نویسنده بر آن تأکید می‌کند جاه‌طلبی‌های بن سلمان در نظام سعودی است که این مسأله حتی نگرانی‌های متحدین غربی وی را نیز به همراه داشته است.

ااون ویلسون<sup>۲</sup> در کتابی با عنوان: «قتل در استانبول: جمال خاشقجی، دونالد ترامپ و عربستان سعودی» (۲۰۱۹) به مجموعه مباحث جامعه‌شناسی در نظام عربستان سعودی با تأکید بر دوره بن سلمان می‌پردازد. نویسنده معتقد است که یکی از میانی مهم تحقق توسعه سیاسی در هر نظامی مسأله مدارا و تساهل و نیز آزادی بیان، آزادی فعالیت گروه‌های جامعه مدنی و امثالهم می‌باشد. در این رابطه، نظام عربستان جای هیچ‌گونه ظهور گروه‌های جامعه مدنی نمی‌باشد و دلیل آن هم استبداد و نظام پادشاهی این کشور است. با حضور بن سلمان در عرصه قدرت و به رغم دامنه‌های وسیع روابط او با ایالات متحده، به نظر می‌رسد فعالیت‌های مدنی خواه در عربستان سعودی از حالت رکود خارج گردد، اما ترور خاشقجی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی منتقد آل سعود در عمل نشان داد که بن سلمان میراث خوار نظام بسته آل سعود است.

مقاله کنونی نیز با بررسی چالش‌های توسعه سیاسی در عربستان در دوره بن سلمان دارای نوآوری می‌باشد.

## ۲- چارچوب تئوریک: مدل توسعه برنارد کریک<sup>۳</sup>

برای تحلیل توسعه سیاسی می‌توان از دومدل کلی سخن گفت. نخست، مدل‌های دولت محور و دوم، مدل‌های جامعه محور. برخلاف نظریه‌های جامعه محور که بر نقش انکارناپذیر نخبگان حکومتی تأکید می‌کند، نظریه‌های دولت-ساخت محور بر زمینه‌های ایجاد توسعه سیاسی تأکید می‌کنند. افرادی همچون کارل دویچ<sup>۴</sup>، دنیل لرنر، ادوارد شیلز<sup>۵</sup>، آلموند و پاول<sup>۶</sup>، جیمز کلنن<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup>. Ben Hubbard

<sup>۲</sup>. Owen Wilson

<sup>۳</sup>. Bernard Kerik

<sup>۴</sup>. Karl Wolfgang Deutsch

لوسین پای<sup>۲</sup>، مارتین لیپست<sup>۳</sup>، ژان بلاندل<sup>۴</sup> به عنوان مهم‌ترین نظریه پردازان مدل دولت محور بر شاخص‌هایی مانند دگرگونی‌های کمی در حوزه‌های گوناگون، بسیج سیاسی، سطح سواد، سطح شهرنشینی، وجود نهادهای نمایندگی و قوانین مدنی، فرهنگ سیاسی دنیوی، تخصص‌گرایی، برابری اجتماعی، عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌ها، کارایی سیاسی و انفکاک ساختاری به عنوان مؤلفه‌های اصلی در فرایند توسعه سیاسی تأکید می‌کنند. اگر چه هر یک از این نظریه‌ها بر شاخص‌هایی چند تأکید دارند اما هیچ یک بر کلیت ساخت سیاسی متمرکز نیست و فهمی ناقص و بعضاً جبرگرا ارائه می‌دهند. با توجه به کاستی‌های مدل‌های ذکر شده، این پژوهش از مدل برنارد کریک بهره گرفته است. این مدل با یازده مؤلفه، یکی از کامل‌ترین نظریه‌های حکومتی می‌باشد. کریک بر این باور است که پس از پژوهش درباره انواع گوناگون حکومت‌ها از حکومت بدوی و امپراطوری‌های اولیه و شهرهای یونان و روم و امپراطوری روم گرفته تا حکومت‌های استبداد شرقی و حکومت فئودالی و دولت‌های مدرن اولیه و دولت ملی مدرن و اتوکراسی مدرن و جمهوری‌ها و حکومت‌های تمامیت خواه، توانسته است پرسش‌های موجود در ادبیات سیاسی را که سوال‌های غالب هستند بر شماری نماید و نشان دهد فهرستی دقیق از پرسش‌ها و مسائل مربوط به نظریه دولت و حکومت را کشف و رده‌بندی نموده و انتظام بخشیده است. سوالات مورد نظر وی اهمیت غالب هر یک از این مقولات را مفروض گرفته‌اند: نقش اتباع؛ آموزه رسمی؛ ساختار اجتماعی شاخص؛ شخصیت و ترکیب گروه نخبه؛ نهاد شاخص حکومت؛ نوع اقتصاد؛ حقوق مالکیت؛ بینش غالب نسبت به قانون؛ بینش نسبت به دانش؛ بینش نسبت به انتشار اطلاعات و در نهایت بینش نسبت به سیاست (Menshadi and Akbari, 2020: 190-191) در این مقاله، نویسندگان از میان ۱۱ مؤلفه مطرح شده در مدل کریک، به تجزیه و تحلیل ۶ مورد در نظام عربستان مبادرت خواهند نمود.

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
نقش اتباع	فرمانبرداری انفعالی و بی تفاوتی اجتماعی
	مشارکت داوطلبانه و فردی
	مشارکت توده‌های و فرمانبرداری انفعالی
آموزه رسمی	حواداری از تکلیف دینی، حکومت، بخشی از نظام الهی

<sup>2</sup> Edward Albert Shils

<sup>3</sup> Gabriel Almond and Bingham Powell

<sup>4</sup> James Samuel Coleman

<sup>5</sup> Losian Paie

<sup>6</sup> Seymour Martin Lipset

<sup>7</sup> Jean Blondel

هواداری از سودمند/ غیردینی	ساختار اجتماعی شاخص
ایدئولوژیک	
ساختار قشری/ طبقاتی رده بندی شده	
طبقه متوسط و بورژوازی بزرگ	شخصیت و ترکیب گروه نخبه
مساوات طلب	
خودزا و انحصاری	
طبقه سیاسی با ثبات و برخوردار از حیثیت اجتماعی	نهاد شاخص حکومت
گروه خدمتگزاران مطابق با تحرك اجتماعی کامل	
دربار یا کاخ	
پارلمان و مجلس شورا و کنگره	نوع اقتصاد
حزب واحد	
کشاورزی و پیشاصنعتی	
بازار و اقتصاد مختلط	حقوق مالکیت
اقتصاد جنگی	
شخص و زمین	
لیاقت و مالکیت	بینش غالب نسبت به قانون
عدم وجود مالکیت شخصی	
عرفی و الهی	
عرفی و تقنین	بینش غالب نسبت به دانش
قوانین تاریخ	
دانش یکپارچه بخشی از رمز خفیه قدرت	
دانش منقسم و حقایق نسبی	بینش نسبت به انتشار اطلاعات
دانش یکپارچه و ایدئولوژیک مبتنی بر تبلیغات حکومت	
تبدیل شایعه و اقوال شفاهی به نهاد	
روزنامه ها و عدم کنترل اطلاعات و برتری رسانه ها	بینش نسبت به سیاست
کنترل کامل ارتباطات جمعی	
حکومت برتر از سیاست	
تحمل سیاست ورزی و نهادینگی مخالف	توطئه و دسیسه و خرابکاری تلقی کردن سیاست ورزی و مخالفت
توطئه و دسیسه و خرابکاری تلقی کردن سیاست ورزی و مخالفت	

جدول شماره ۱. مدل برنارد کریک

Table 1. Bernard Kerik Model

(Source: Authors, 2021)

### ۳- بن سلمان و توسعه سیاسی عربستان سعودی با تأکید بر مدل برنارد کریک ۳-۱- نقش اتباع

کریک در مؤلفه اتباع به دنبال تعیین جایگاه مردم در نظام سیاسی است. آیا مردم دارای حق و حقوقی هستند؟ هیئت حاکمه چگونه به مردم نگاه می‌کنند؟ اصولاً بافت قدرت در عربستان مبتنی بر یک نظام سلطنتی موروثی می‌باشد و به جز خاندان سلطنت که شامل سه دسته آل ثنایان، آل فیصل و آل کبیر می‌شوند تقریباً قبیله‌های دیگری در راس قدرت و امور سیاسی قرار ندارند (Masiudnia; Forouzan and Alishahi, 2019: 144). البته خاندان آل شیخ که مرجعیت مذهبی این کشور را در اختیار دارد هم از اهمیت بالایی برخوردار است. این خاندان، تمامی قدرت و اختیار مذهبی خود را از خاندان سلطنت می‌گیرد. به دیگر سخن، مرجعیت توزیع قدرت در این کشور در اختیار خاندان سلطنت قرار دارد و این خاندان است که بنا بر روابط قبیله‌ای و نزدیکی و وفاداری به توزیع نسبی برخی از نهادها به قبیله‌ها مبادرت می‌نماید (۱۴: Yazdani, 2016). در عربستان، پادشاه مرجعیت تام قدرت است و اوست که تصمیم‌گیرنده توزیع قدرت در میان خاندان سلطنتی است (55: Taheri, 2017). به طور کلی چند عامل اصلی در فرمانبرداری انفعالی و بی تفاوتی اجتماعی اتباع در نظام سیاسی عربستان می‌توان ذکر کرد: ۱. انتخابی نبودن حاکم؛ ۲. عدم الزام حاکم به رای و نظر مردم؛ ۳. اعتقاد شاهان سعودی به ناتوانی و ضعف مردم در تشخیص خیر و شر؛ ۴. ساختار قدرتمند سرکوب؛ ۵. تشدید اقدامات امنیتی؛ ۶. انحصار ثروت و منابع در دستان خاندان سلطنت (99-100: Chothia, 2020).

استیلاي مطلق قدرت در خاندان آل سعودی تنها در مسائل داخلی بلکه در سیاست خارجی نیز کاملاً محسوس است. سلطه خاندان حاکم سعودی بر سیاست خارجی این کشور بدین معنی است که فرایند سیاست‌گذاری این کشور از خطوط کلی عقلانی و بوروکراتیک روشنی پیروی نمی‌کند. مثلاً باور کلی بر آن است که هر یک از شاهزادگان ارشد مسئولیت‌های ویژه‌ای برای روابط بایک کشور خاص دارند (122: Koushki and Bizhani, 2020).

مسأله مشارکت اتباع در قدرت با انتصاب بن سلمان در مقام ولایتعهدی نه تنها به وقوع نپیوست بلکه خاندان سلطنتی نیز از سیاست‌های انحصارگرایانه وی در امان نمانده و با شدت بیشتری به برکناری از سوی بن سلمان مواجه شدند. در این رابطه بن سلمان در نخستین اقدام بسیاری از شاهزادگان مدعی قدرت را برکنار و در ادامه حکم به دستگیری و زندانی کردن آنان داد (123: Khorasani Esmaeili; Azhdari and Masoumi, 2019). سپس با و زندانی کردن عموی خود، احمد بن عبدالعزیز که پیشتر ولیعهد سعودی‌ها بود نشان داد که وجود هیچ‌گونه رقیبی را در عرصه قدرت بر نمی‌تابد، بن سلمان سپس، شورای بیعت، تیمی متشکل از ۳۴ نماینده که همگی از خاندان آل سعود هستند را به شدت تهدید به بازداشت و زندانی کرد چراکه برخی

از اعضای این شورا وی را در قبال سیاست‌های ماجراجویانه در قبال اسرائیل مورد انتقاد قرار داده بودند (Grand and Wolff, 2020: 39-41). بن سلمان در ادامه بیش از ۴۰ نفر از خاندان آل جیلایوی که از مهم‌ترین رقبای سنتی سدیری‌ها به شمار می‌روند را از کلیه مناصب حکومتی عزل نمود. در نهایت بن سلمان، به حبس برادر و مادرش، بندرین سلمان و فهده آل حثلین اقدام کرد که تنها به سبب انتقاد به توسعه چالش‌ها و جنگ در خاورمیانه بازداشت شدند (Hope and Scheck, 2020: ۲۱۹-۲۱۶).

### ۳-۲- آموزه رسمی

مقصود از آموزه رسمی بررسی این مسأله است که آیا حکومت ماهیتی دینی و ایدئولوژیکی دارد یا صرفاً دنیوی است؟ ماده ۸ نظام پادشاهی، پادشاه عربستان را بر پایه عدالت، مشورت، تساوی و مطابق با شریعت اسلام معرفی کرده است. اهمیت این امر تا آن جایی است که اجرا و حمایت از حقوق بشر نیز منوط به رعایت شریعت اسلام شده است. لزوم رعایت مقررات اسلام و شریعت بر هر چهار نهاد اصلی عربستان یعنی پادشاه، مقام اجرایی، قضایی و نظارتی تأکید شده است. پادشاه که قدرت مطلقه در عربستان است، تنها یک محدودیت دارد و آن، مطابقت فرامین و خط مشی وی با شریعت اسلام است (Alipour and Yekrangi, 2017: 66). مشخص است که آموزه رسمی حکومت در عربستان کاملاً از نوع الهی است. این مسأله از ابتدای تاسیس نظام سعودی وجود داشته است و علمای وهابی اصلی‌ترین نقش را در الهی بودن و تقید به شریعت اسلام را ایفا کرده‌اند (Seifi, 2020: 623). پس از انتصاب ولایتعهدی بن سلمان، تطورات عمیقی در ابعاد ایدئولوژیکی عربستان صورت پذیرفت که در اینجا به دو مسأله فلسطین (در بعد خارجی) و جایگاه وهابیسیم (در بعد داخلی) خواهیم پرداخت.

#### ۳-۲-۱- تطورات ایدئولوژیکی در قبال مسأله فلسطین

یکی از سیاست‌های متقن سعودی‌ها حمایت از آرمان‌های قدس و فلسطین بوده است. عربستان، برای چندین دهه، مدافع حق تشکیل کشور مستقل فلسطین و منتقد اشغال غزه توسط اسرائیل بوده است (Adami; Nazifi and Bizhan, 2018: 190). اما از دوران بن سلمان، حفظ و گسترش تعاملات با اسرائیل و کمک به عادی شدن اوضاع این رژیم در غرب آسیا با ابتکارات مختلف مانند گسترش تعاملات تجاری، ایجاد تماس‌های سیاسی و حمایت از گفتگوها و مذاکرات صهیونیستی-فلسطینی و عربی-صهیونیستی است. به رغم مخالفت‌های منطقه‌ای، سعودی‌ها با اسرائیل روابط گسترده اقتصادی، سیاسی و بعضاً نظامی دارند. عربستان همواره در صدد صدور نفت و گاز به اسرائیل بوده است و این در حالی است که اسرائیل نیز طبق طرح خاورمیانه جدید، در صدد برقراری روابط گسترده اقتصادی با دول عربی به عنوان مقدمه حضور



در معادلات سیاسی - امنیتی غرب آسیا است. توسعه روابط میان سعودی‌ها و اسرائیل پس از ولایتعهدی بن سلمان با شدت بیشتری پیگیری شد. نخست آنکه تغییر ولایتعهدی در عربستان سعودی با رضایت قابل توجه سران اسرائیل مواجه بوده است. «اسرائیل کاتر» وزیر اسرائیل پس از ولایتعهدی بن سلمان از کشورهای عربی خواست تا گام بیشتری برای مذاکره با اسرائیل بردارند. از سوی دیگر، برخی رسانه‌های صهیونیستی با ابراز خشنودی از ولایتعهدی بن سلمان، آغاز به افشای روابط پشت پرده دو رژیم کرده و از دیدارهای محرمانه او با مقامات صهیونیستی در خلال دو سال اخیر خبر داده‌اند روزنامه دیدیعت آچارونوت نیز به نقل از منابع اطلاعاتی خاطر نشان ساخت که بن سلمان دیدارهایی با مقامات صهیونیستی داشته است و این مقامات اسم رمز «پسر» را برای او انتخاب کرده بودند. برخی از سران صهیونیستی در این رابطه معتقدند که بن سلمان، طراح شماری از طرح‌ها و پروژه‌هایی است که عربستان و اسرائیل را در خط فکری واحدی قرار می‌دهد و وی به دنبال ایجاد یک جبهه مشترک برای از بین بردن نفوذ و تأثیر ایران در لبنان، عراق و یمن است (Forouzan and Alishahi, 2019: 147-148).

#### ۲-۲-۳- تطور در جایگاه وهابیسم سنتی در عربستان (در بعد داخلی)

در تاریخ سلطنت آل سعود، ایدئولوژی وهابیسم و ایدئولوژی‌های وهابی جایگاه مهمی داشته‌اند. ایدئولوژی که مهم‌ترین کارکرد آن مشروعیت‌سازی مذهبی برای اقدامات سلاطین این کشور بوده است اما با حضور بن سلمان در عرصه قدرت، مجموعه‌ای از سیاست‌های وی، جایگاه وهابیسم را با تحولات عمیقی مواجه کرده است. در نگاه بن سلمان، وهابیسم سنتی حاکم بر عربستان یکی از مهم‌ترین موانع تحقق توسعه این کشور می‌باشد لذا اقدامات اصلاح طلبانه بن سلمان به تدریج شرایط را برای انزوای وهابیسم سنتی مهیا ساخته است. در این رابطه بن سلمان به چند اقدام مهم در قبال وهابیسم مبادرت نموده است:

نخست؛ کاهش چشمگیر دامنه اختیارات گسترده علمای وهابی سعودی: بن سلمان از ابتدای فعالیت در سمت ولایتعهدی، مبارزه با افراط‌گرایی را آغاز کرد. وی در نخستین اقدام، مرکز بین‌المللی «تقابل با اندیشه‌های افراط‌گرایی و رادیکالیسم» را بنا نهاد و در ادامه به کاهش شدید حوزه اختیارات سازمان امر به معروف و نهی از منکر که در استیلای کامل و مطلق آل شیخ قرار داشت مبادرت نمود (Koelbl, 2020: 84). اوج این چالش‌ها زمانی بود که بن سلمان، بسیاری از علما و مبلغان معروف را به سبب اندیشه‌های افراطی و رادیکال محاکمه و بازداشت کرد. وی در نهایت بسیاری از اختیارات «هیئت امر به معروف و نهی از منکر» موسوم به «الحسبه» را کاهش داد تا جایی که این گروه هم اکنون علناً توانایی اعمال قدرت را ندارد (Ulrichsen, ۲۰۱۹: ۳-۴).

<sup>1</sup>. Israel Katz

دوم؛ حذف تدریجی آموزه‌های وهابیسیم از نظام آموزشی عربستان: بن سلمان در راستای تحقق آموزش نوین دانش آموزان سعودی، برنامه آگاه سازی اسلامی را به دلیل ترویج افراط‌گرایی در کلیه مدارس لغو و تمامی کمیته‌های مرتبط با این برنامه را منحل کرد. در گام دوم، به دستور بن سلمان، کتب آموزشی قدیم همگی جمع‌آوری و کتب جدید درسی به سرعت در حال تدوین و توزیع می‌باشند. کتب درسی جدید در نظام آموزشی جدید سعودی بر این محور استوار است که اولاً در آن سخنی از ویژگی‌های حکومت اسلامی حضرت رسول (ص) و حتی خلفای راشدین عنوان نشود و ثانیاً عقاید وهابی و نظریه‌های ابن تیمیه کاملاً پاکسازی شده و در نهایت نیز کتاب‌های جایگزین با محوریت تسامح، تساهل، مدارا و دوستی و صلح ارائه گردند. وی در اقدامی شدیدتر، بیش از ۱۲ هزار معلم و استاد دانشگاه با گرایش‌های وهابی را منصرف و حتی بازداشت نمود. در ادامه به دستور بن سلمان تمامی معلمان حاضر در نظام عربستان سعودی که اصالتی عراقی، مصری، اردنی و سوری داشتند و مروج اندیشه‌های وهابی بودند از این کشور اخراج شدند (Ahmad Jebri, 2020:8-9).

### ۳-۳- شخصیت و ترکیب گروه نخبه

پیشتر تبیین گردید که توزیع قدرت در عربستان سعودی کاملاً وجهه‌ای قبیله‌ای دارد و در انحصار خاندان آل سعود است. با حضور بن سلمان برخی اصلاحات روبنایی در ترکیب گروه نخبگان ایجاد شد و وی به ایجاد گروه‌های نخبه جدید در نظام عربستان مبادرت نمود. البته بایستی اذعان داشت اصلاحات مذکور کاملاً در راستای اثبات قدرت و نهادینه شدن اعتبار محمد بن سامان در پادشاهی آینده سعودی‌ها خواهد بود نه ایجاد یک طبقه یا گروه نخبه مستقل.

### ۳-۳-۱- زنان و جوانان سعودی

تا پیش از حضور بن سلمان، زنان سعودی از کمترین حقوق مدنی و شهروندی برخوردار نبودند تا جایی که حتی حضور بانوان به تنهایی در خیابان حرام تلقی می‌شد اما هم اکنون این مسأله با استحال‌های عمیق مواجه گردیده است به نحوی که حضور زنان در سطوح عالی دانشگاه‌ها، حق رانندگی، حضور در استادیوم‌های ورزشی، منع حجاب اجباری زنان، تدوین قانون مبارزه با آزار و اذیت زنان از سوی همسران یا خانواده‌هایشان، آزادی فرهنگی زنان در سواحل در کنار مردان، انتصاب خانم «ایمان عبدالله الغامدی» به عنوان معاون شهردار در استان «الخبر» برای نخستین بار در تاریخ سعودی و انتصاب خانم «فاطمه سالم باعشن» به عنوان نخستین سخنگوی زن سفارت عربستان در واشنگتن را در تاریخ این کشور می‌توان ذکر نمود (Hubbard, 2020:246). همچنین با حضور بن سلمان در قدرت، مسأله آزادی جوانان سعودی تا حد زیادی بهبود یافت به

عنوان مثال، بن سلمان شخصا با تاسیس «هیئت ترفیه» سعی در ایجاد مکان‌ها و تفرجگاه‌های غربی برای جوانان سعودی نمود. وی با تاسیس شهر اختصاصی -تفریحگاهی با عنوان «قدیه» که بسیاری از تحلیلگران این اقدام بن سلمان را الگوبردای از شهرهای تفریحی غرب همچون «دیزنی لند» و لاس و گاس می‌دانند علنا نشان داد الگوی توسعه غربی در نظام سعودی گام بر می‌دارد. بن سلمان در توجیه این اقدام، چهار علت اصلی را نام برد که عبارتند از:

۱. وجود مکان‌هایی شاد و جذاب و جدید برای جوانان سعودی؛ ۲. ایجاد درآمدزایی داخلی برای عربستان و عدم وابستگی محض به درآمدهای نفتی؛ ۳. حضور مردم کشورهای منطقه در عربستان در این مناطق و افزایش درآمدهای مرتبط با گردشگری؛ ۴. حل و فصل مشکلات بین‌المللی و حضور آزادانه خوانندگان زن و مرد بین‌المللی در برگزاری کنسرت‌ها در عربستان (Hosseinpour; Mahipour and Alishahi, 2019: 47-48).

### ۳-۳- ظهور روشنفکران حامی غرب با حمایت‌های بن سلمان

از اقدامات مهم دیگر بن سلمان حمایت‌های وسیع او از هواداران داخلی جریان لیبرال دموکراسی است. پیشتر در نظام عربستان هرگونه حمایت از اندیشه‌های مرتبط با جریان‌های لیبرال جرم بزرگی محسوب می‌گردید چرا که آشنایی با اندیشه‌های لیبرال دموکراسی خطر بزرگی برای پادشاهان سعودی و مفتیان وهابی این کشور تلقی گردیده و بسترساز آشنایی جامعه عربستان سعودی با مفاهیمی همچون پارلمان، آزادی، مشروطیت، نظارت، فسادستیزی، پاسخگویی و... می‌شد (Qadhi, 2020:22). با حضور بن سلمان در عرصه قدرت، وی به صورت مستقیم به حمایت از نهادها و افرادی برآمده که حامیان اصلی وی از اصلاحات و پادشاهی آینده باشند. به عنوان مثال، برخی از روشنفکران حامی جریان لیبرال در عربستان مستقیماً از سوی بن سلمان مورد حمایت‌های وسیع ساختاری و ابزاری واقع شدند. اوج اقدامات بن سلمان در این رابطه را می‌توان آغاز به فعالیت شبکه‌های ماهواره‌های «روتانا» و «السعودیه ۲۴»<sup>۱</sup> آغاز به کار رسمی حساب توئیتری با عنوان «نحو الحریه»<sup>۲</sup> و فعالیت اندیشه‌های نخبگان حامی لیبرالیسم در عربستان است (Koelbl, 2020: 117).

۱. هیئتی که با نظارت مستقیم بن سلمان برای ایجاد تفریح و سرگرمی در کشور عربستان ایجاد شده است. هدف اصلی تاسیس این هیئت نخست ایجاد شهرهای تفریحی بزرگ و ایجاد رقابت با شهرهایی همچون آنتالیا در ترکیه و دوم ایجاد فرصت‌های کلان‌شغلی و درآمدهای عظیم غیرنفتی برای سعودی‌هاست.

<sup>۱</sup>. Disneyland Park

<sup>۳</sup>. در این شبکه‌های ماهواره‌ای، حمایت‌های اقتصادی گسترده از نویسندگان، روزنامه‌نگاران، فعالان شبکه‌های اجتماعی و روشنفکران حامی جریان لیبرالیسم در نظام عربستان سعودی صورت می‌گیرد.

<sup>۴</sup>. به سوی آزادی

**۴-۳- نوع اقتصاد**

اقتصاد اعراب خلیج فارس به ویژه عربستان، همواره متکی به نفت و صادرات آن بوده است. درآمدهای کلان اقتصادی حاصل از فروش نفت، همواره برای خاندان آل سعود به مثابه یک اهرم فشار مهمی بوده است چرا که با تخصیص بخشی از درآمدها همواره متحدین را مطیع خویش می ساختند. از طرفی دیگر بخش دیگری از درآمدهای نفتی شاهان سعودی به تقویت مبانی و هابیسیم و توسعه آن در کشورهای همجوار همچون افغانستان، پاکستان و حتی مناطق مرزی ایران صرف می گردد (Karimi, et,al, 2018: 107). اوج این مسأله حمایت‌های کلان اقتصادی سعودی‌ها از مخالفین دولت‌های سوریه و عراق در خلال ناآرامی‌های بیداری اسلامی بوده است (KhodaBakhshi; Azghandi and Hermidas Bavand, 2020:8).

یکی از سیاست‌های بن‌سلمان، گذر از اتکای صرف به درآمدهای نفتی به برنامه‌های درآمدزای غیرنفتی بوده است. در این رابطه می‌توان به سند توسعه ۲۰۳۰ سعودی‌ها اشاره داشت. سند تحول ۲۰۳۰ عربستان طرحی است که بنابر آن قرار است ساختار اقتصادی و به تبع آن اجتماع و سیاست این کشور تا حد زیادی تغییر کند. جزئیات این طرح برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ از سوی بن‌سلمان مطرح گردید که مشتمل بر ۸۰ پروژه توسعه‌ای با بودجه‌ای معادل ۲۰ میلیارد دلار خواهد بود. عمده اهداف اصلی مشخص شده در این سند عبارتند از: رهایی از وابستگی صرف اقتصاد از صادرات نفت خام، تحولات وسیع در عرصه گردشگری، افزایش تعداد حجاج به میزان ۳۰ میلیون نفر در سال و برنامه جامع مبارزه با مفسدین اقتصادی (Nemati and HajiYousefi, 2019: 159).

اما وقوع چند رویداد را می‌توان به مثابه موانع مهم بر تحقق سند توسعه ۲۰۳۰ برای بن‌سلمان دانست: نخست کاهش قیمت نفت؛ دوم شیوع ویروس کرونا و تضرر کلان سعودی‌ها از این مسأله؛ سوم چالش‌های امنیتی وسیع بن‌سلمان به ویژه پس از حملات موشکی انصارالله به مرکز درآمدهای نفتی سعودی‌ها یعنی شرکت آرامکو؛ چهارم عدم تمدید قراردادهای نفتی کلان روسیه با عربستان؛ پنجم؛ شکست ترامپ در انتخابات ایالات متحده و فقدان حامی بزرگ بن‌سلمان در عرصه‌های نوسازی و غربی‌سازی این کشور (Rasheed, 2021: 114-117).

**۵-۳- بینش غالب نسبت به حقوق و سیاست**

اصولاً نظام عربستان سعودی فاقد هرگونه نظام اعمال‌کننده قانون و هیئت نظارت قانونی است. منشا قانون، سیاست‌های خاندان سلطنتی است. از طرفی خاندان سلطنت، مشروعیت سیاست‌ها و اقدامات خود را نهاد مذهبی و علمای کبار وهابی می‌گیرد نه از قانون مدون یا پارلمان. به دیگر سخن، خاندان آل شیخ به مثابه بزرگترین و مهم‌ترین مرجعیت مذهبی که بقا و قدرت مذهبی خود را از خاندان سلطنت می‌گیرند، همواره نقش خود که ایجاد وجهه شرعی ویا

مشروعیت قانونی باشد برای سلاطین سعودی به خوبی ایفا می‌کند (Rasheed, 2021: 19). از طرفی، در نظام سعودی، پادشاه کماکان عنصر اصلی ساختار اجتماعی و سیاسی و برتر از قانون و فراتر از تمام طبقات به شمار می‌رود. بازخورد این موضوع نخست؛ کماکان الغای فعالیت‌ها و نفی هرگونه مشارکت طیف‌های خارج از دستگاه سلطنت و دوم؛ سرکوب و اختناق سیاسی می‌باشد (Koelbl, 2020: 61). در این رابطه بایستی خاطرنشان کرد که بن سلمان قائل به سه موضوع در این رابطه است. نخست؛ سیاست در خدمت حکومت، دوم؛ تحمل سیاست ورزی و نهادینگی مخالف و سوم؛ اعتقاد به توطئه و دسیسه و خرابکاری از سوی رقیبان و مخالفان. در این رابطه نویسندگان به تجزیه و تحلیل سه اقدام کلان محمد بن سلمان مبادرت خواهند نمود: ترور جمال خاشقجی؛ چالش بن سلمان با شاهزادگان مخالف و مدعی قدرت و دستگیری برخی از علمای وهابی معترض.

### ۱-۵-۳- ترور جمال خاشقجی

جمال خاشقجی در ابتدا دبیریکی از روزنامه‌های عربستان به نام «الوطن» بود اما با قدرت‌گیری محمد بن سلمان، شرایط فعالیت وی با چالش‌های جدی مواجه گشت تا جایی که حضور در این کشور را خطرناک یافت. بیشتر فعالیت‌های خاشقجی، در دوران سلطنت ملک عبدالله بود که یادداشت‌های وی به طور مکرر در روزنامه الحیات به چاپ می‌رسید اما در دوران سلطنت ملک سلمان و ولایت‌عهدی پسرش، تنس هامیان وی و حکام سعودی وقت تشدید یافت (Dorsey, 2018: 7). شروع چالش میان خاشقجی و بن سلمان را می‌توان در مواضع تند خاشقجی علیه سیاست‌های ترامپ در قبال عربستان دانست. به همین دلیل، انتقادات خاشقجی با واکنش سریع دولت عربستان مواجه شد و دولت او را از نوشتن و حضور در رسانه‌ها ممنوع کرد. پس از آغاز امواج بازداشت شاهزادگان سعودی از سوی بن سلمان، خاشقجی برای مدتی سکوت و فعالیت‌های رسانه‌ای خود را محدود کرد و در نهایت در سال ۲۰۱۷ و به صورت داوطلبانه به آمریکا نقل مکان کرد. اقامت وی در آمریکا مصادف با نگرش و یادداشت‌های انتقادی متعددی علیه ولیعهد عربستان و سیاست‌های داخلی و خارجی او، به خصوص جنگ یمن شد. یادداشت‌های او در رسانه‌های مشهوری همچون اشپیگل<sup>۲</sup> و فایننشال تایمز<sup>۳</sup> منتشر می‌شد. خاشقجی طی یادداشتی در مجله اشپیگل، از تمرکز قدرت و سرکوب منتقدان از سوی بن سلمان

<sup>1</sup>. Jamal Khashoggi case: All the latest updates, Access in: <https://www.aljazeera.com/news/2018/10/>

<https://www.aljazeera.com/news/2018/10/>

<sup>2</sup>. Der Spiegel

<sup>3</sup>. Financial Times

انتقاد کرد. گذشته از بحران یمن، خاشقجی از مخالفان جدی روابط اسرائیل و عربستان به شمار می‌رفت (Resnick, 2018: 5). وی در نهایت در اکتبر ۲۰۱۸ و در کنسولگری عربستان سعودی در ترکیه، از سوی نیروهای امنیتی بن سلمان به قتل رسید.

### ۲-۵-۳- چالش بن سلمان با شاهزادگان مخالف و مدعی قدرت

بن سلمان کمتر از ۳ ماه پس از انتصاب ولایتعهدی به تغییرات وسیع حکومتی و دستگیری طیف وسیعی از شاهزاده‌های سعودی مخالف خود اقدام نمود (Friedman, 2017:5). چهار دستاویز مهم وی در این اقدام عبارتند از:

مبارزه با فساد مالی شاهزاده‌های سعودی؛ تقویت سیستم امنیتی عربستان سعودی از طریق انتصاب وفاداران خود؛ از بین بردن مخالفان پادشاهی آینده خود همچون متعب بن عبدالله، رئیس گارد پادشاهی عربستان؛ از بین بردن هرگونه خطر کودتا علیه خود (Wright, 2018:1).

پس از دستگیری‌های پی در پی شاهزادگان سعودی که در حدود ۳۸۱ نفر بودند، مجموعاً ۱۰۶ میلیارد دلار اموال آنان مصادره گردید. از این میان، ۵۶ شاهزاده کماکان در بازداشت دولت عربستان به سر می‌برند که این مسأله بیش از آنکه مبتنی بر مبارزه با فساد اقتصادی و مالی شاهزادگان باشد، ناشی از تسویه حساب‌های شخصی بن سلمان و رفع نگرانی وی از تهدیدات بالقوه آنان برای انجام کودتاست (Blanchard, 2018:31-32).

### ۳-۵-۳- سرکوب شیعیان عربستان

از دیگر رویکردهای اقتدارآمیز نظام عربستان در زمان بن سلمان، تشدید سیاست‌های انزوا، محرومیت، سرکوب و اعدام شیعیان این کشور بوده است. این مسأله در منطقه عوامیه، در شرق عربستان که منطقه سکونت شیعیان این کشور بوده و از منابع غنی نفتی برخوردار است، کماکان ادامه دارد (Menoret, 2016:6). در این راستا، بن سلمان برای کنترل هرچه بهتر اوضاع شیعیان عربستان، به اتخاذ برخی از سیاست‌های اقتدارگرایانه روی آورده است:

۱. تخریب منطقه عوامیه و کوچ اجباری شیعیان: نخستین طرح بن سلمان، تخریب محله تاریخی عوامیه و کوچ اجباری شیعیان می‌باشد. بن سلمان درصدد است با کوچ اجباری آنان، مسأله نظارت و بایکوت شیعیان عوامیه را با شدت بیشتری محقق نموده و هویت و قدمت فرهنگی شیعیان این منطقه که بالغ بر ۴۰۰ سال می‌باشد را نابود نماید (Alipour and Yekrangi, 2017: 68). با ورود سازمان ملل به بحران تخریب عوامیه و ابراز نگرانی‌های عمیق این سازمان از بحران‌های حقوق فرهنگی در عربستان و تشدید فشارهای بین‌المللی، بن سلمان با اعلام این مسأله که هدف وی، بازسازی و احیای بناهای تاریخی این منطقه می‌باشد، سعی در جلب رضایت شیعیان این

منطقه نمود، مسأله ای که سیاستین سونز، تحلیلگر مسائل خاورمیانه آن را رد می‌کند و هدف اصلی این طرح را به حاشیه راندن و تفرق شیعیان و دوری آنان از مناطق نفت خیز عربستان برمی‌شمارد.<sup>۲</sup>

۲. سیاست‌های سرکوب گرایانه در قبال شیعیان: سیاست سرکوب و اعدام شیعیان معترض عربستان از سوی پادشاهان آل سعود مسبوق به سابقه بوده است. بن سلمان نیز سیاست تشدید فشارها و سرکوب را در قبال شیعیان و دستگیری، زندانی، شکنجه و اعدام را علیه آنان ادامه می‌دهد. دلیل این برخورد سخت حکومت عربستان با شیعیان عوامیه در شرایط کنونی، قدرت نمایی ولیعهد جدید این کشور است. بن سلمان درصدد نشان دادن این مسأله است که وی از پس مخالفان شیعه داخل کشور برمی‌آید و خارج از مرزها هم توان برخورد با ایران را دارد. بن سلمان حتی اقلیت شیعیان این کشور را جماعتی ناراضی و حتی تروریست خطاب می‌کند که مورد حمایت ایران هستند و از سوی ایران مورد حمایت قرار می‌گیرند (Al-Noami, 2017: 6). سرکوب خشونت بار شیعیان عربستان با قتل، شکنجه و دادگاه‌های ناعادلانه بن سلمان علیه آنان به گونه‌ای تشدید یافته است که به تعبیر برخی از کارشناسان، بن سلمان به مردم خود اعلام جنگ کرده است. شدت این سرکوب‌ها به گونه‌ای است که اکنون ۹۰ درصد ساکنان عوامیه یا از این شهر گریخته‌اند یا به اجبار کوچ کرده‌اند (Al-Barsan; Al-Hamd and Al-Roshdan, 2017: 41).

#### ۴-۵-۳- دستگیری، بازداشت و شکنجه برخی از علمای وهابی

سیاست‌های سرکوب و شکنجه بن سلمان تنها شامل شاهزاده های سعودی و شیعیان نمی‌باشد بلکه برخی از علمای مشهور اهل سنت سعودی نیز برای بن سلمان خطرات عمده‌ای ایجاد کردند. مهم‌ترین علمای اهل سنت بازداشت شده از سوی بن سلمان «سلمان العوده»، «عوض القرنی» و «علی العمری» می‌باشند که این سه عالم دینی سعودی مریدان بسیار زیادی در این کشور دارند. دادگاه شیخ سلمان العوده، وی به حمایت از تروریست‌ها و خیانت به نظام سعودی متهم و دادستان کل عربستان خواستار اعدام وی گردید. شیخ عوض القرنی هم به زندان شعار در شهر ابها در جنوب عربستان منتقل شده است. مهم‌ترین علت دستگیری و بایکوت برخی از علمای اهل سنت عربستان را می‌توان عدم وفادارای و حمایت آنان در راستای تثبیت قدرت بن سلمان قلمداد نمود. به دیگر سخن، اگر انزوا و دستگیری معترضین شیعه در عربستان بر اساس خطرات احتمالی

<sup>1</sup>. Sebastian Sons

<sup>2</sup>. ID with SR on Freedom Religion and Belief Oppression of the Shia in Saudi Arabia, General Assembly, UN, 23 March 2018

آنها و وقوع کودتا یا انقلاب می‌باشد، خطرات برخی از علمای اهل سنت سعودی، بیشتر پیرامون عدم حمایت و یا مشروعیت سازی برای حکام سعودی به ویژه بن سلمان می‌باشد. در تبیین علل بازداشت علمای اهل سنت عربستان نیز می‌توان به سه علت عمده ذیل اشاره نمود:

۱. انتقادات مکرر علمای برخی از علمای اهل سنت عربستان از حمایت بن سلمان از گروه‌های تروریستی همچون داعش و القاعده؛ ۲. عدم حمایت‌های ضمنی و یا تلویحی و عدم لحاظ مشروعیت دینی از اقدامات بن سلمان در اصلاحات داخلی و سیاست‌های خارجی؛ ۳. مخالفت با سیاست‌های رادیکال بن سلمان در قبال اعراب منطقه به ویژه یمن و قطر (Farzinrad; Forouzan and Alishahi, 2019: 64-65).

### نتیجه‌گیری

عربستان سعودی یکی از محافظه‌کارترین دولت‌های عربی خاورمیانه است. از زمان تاسیس پادشاهی این کشور در سال ۱۹۳۲ میلادی دو مسأله همواره مطرح نظر سلاطین آل سعود بوده است. نخست حفظ و بقای سلطنت و دوم ایجاد یک مشروعیت قدرتمند دینی. به همین سبب، ائتلاف با علمای وهابی به مثابه نخستین و اصلی‌ترین مرجعیت مذهبی بخش اقدامات شاهان سعودی از همان ابتدا صورت پذیرفت. تا پیش از محمد بن سلمان، غالب سیاستگذاری‌های سعودی‌ها حول مسائل همچون بقا و ثبات سلطنت آل سعود، رهبری جهان عرب (اهل سنت)، تقابل با ایده‌های انقلاب جمهوری اسلامی ایران در منطقه، منع ظهور اندیشه‌های تجددخواهانه در درون نظام سعودی و سرکوب مخالفین آل سعود بوده است. در این مقاله، پرسش اصلی حول این مسأله بود که مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی عربستان سعودی با تأکید بر دوره بن سلمان چیست؟ یافته‌های مقاله نشان داد که توسعه سیاسی عربستان در دوران ولایتعهدی محمد بن سلمان با چالش‌های ساختاری عمده‌ای مواجه گردیده است. مواردی همچون: نقش انفعالی و صرفاً فرمانبرداری اتباع در دوران ولایتعهدی بن سلمان، تغییرات گسترده ایدئولوژیکی بن سلمان در قالب تطورات ایدئولوژیکی در قبال مسأله فلسطین و تطور در جایگاه وهابیسمنتی در عربستان سعودی، ناکامی بن سلمان در شکل‌گیری گروه نخبه جدید و مستقل، عدم دستاورد بن سلمان در تحقق سند توسعه ۲۰۳۰، سیاست‌های مبتنی بر تهدید و ترور بن سلمان در مسأله سیاست (در قالب ترور جمال قاشقجی، چالش بن سلمان با شاهزادگان مخالف و مدعی قدرت، سرکوب شیعیان عربستان) در قالب طرح تخریب منطقه عوامیه و کوچ اجباری شیعیان و سیاست‌های سرکوب‌گرانه در قبال شیعیان و اعدام‌های پی در پی مخالفین شیعی) و در نهایت دستگیری، بازداشت و شکنجه برخی از علمای وهابی.



## References

1. AbediArdakani, M and Soltani, L. (2020). The Relationship between the Administrative System and Political Development in the Islamic Republic of Iran Iran (Using the Joghurib Theoretical Model). *Politic Quarterly*. 50(2). 629-649. **(In Persian)**
2. Adami, A; Nazifi, N and Bizhan, A. (2018) .Israel and Saudi Arabia: a new era of bilateral cooperation. *Strategic Research of Politics*. 7(27). 199- 227. **(In Persian)**
3. Ahmad Jebiril, A. (2020). *Public policy making in Saudi Arabia (2015-2019)*. Cairo: The Egyptian Institute for Studies. **(In Arabic)**
4. Al-Barsan, H; Al-Hamd, J and Al-Roshdan, A. (2017). *Prospects for Saudi foreign policy during the reign of King Salman bin Abdulaziz*. Aman: The National Office Department. **(In Arabic)**
5. Alipour, M and Yekrangi, M. (2017). . 20(1). The Saudi Arabia's Legal System and Human Rights in this Country. *Strategic Studies Quarterly*. 57-82. **(In Persian)**
6. Al-Noami, S. (2017). *An Israeli study: Muhammad bin Salman's policy affected the Saudi position and strengthened Iran's presence*. Beirut: Al-Araby Al-Jadid. **(In Arabic)**
7. Blanchard, C. (2018). *Saudi Arabia: Background and U.S. Relations*. Washington: Congressional Research Service.
8. Chothia, F. (2020). *Saudi Arabia and Wahhabism: Understanding the Great Conspiracy*. NewYork: Independently published.
9. Dorsey, J. (2018). Jamal Khashoggi re-jiggers the Middle East at potentially horribly cost, *The World Research*.
10. Farzinrad, R; Forouzan, Y and Alishahi. A. (2019). The Bin Salman Neopatrimonialism and Exacerbating the Challenge of the Nation-State in Saudi Arabia; Origins and Consequences. *A Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World*. 8(1). 51- 77. **(In Persian)**
11. Forouzan, Y and Alishahi, A. (2019). Political Constructivism in the Relationship between Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran from Post-Islamic Awakening to Post- JCPOA. *Scientific Journal of Security Horizons*. 12(43). 139- 165. **(In Persian)**

12. Friedman, B. (2017). Saudi Arabia's Crown Prince Mohammed bin Salman: Between Transformation and Confrontation?. *Journal of Middle Eastern Development*. 11 (18). 1-11.
13. Ghattas, K. (2020). *Black Wave: Saudi Arabia, Iran, and the Forty-Year Rivalry That Unraveled Culture, Religion, and Collective Memory in the Middle East*. NewYork: Henry Holt and Co.
14. Grand, S and Wolff, K. (2020). *Assessing Saudi Vision 2030: A 2020 Review*. Washington, D.C.: Atlantic Council.
15. Hope, B and Scheck, J. (2020). *Blood and Oil: Mohammed bin Salman's Ruthless Quest for Global Power*. NewYork: Hachette Books
16. Hosseinpour, Z; Mihdipour, A. and Alishahi, A. (2019). Sociology of the Crisis in Saudi Arabia; Characteristics of Civil Society in Saudi Arabia since Crown Prince Mohammed BinSalman. *Journal of Public Administration*, 1(2). 44-49.
- 17 Hubbard, B. (2020). *MBS: The Rise to Power of Mohammed bin Salman*. NewYork: Tim Duggan Books.
18. Jilson, C. (2019). *American Government: Political Development and Institutional Change*. London: Routledge.
19. Karimi, Gh and et.al. (2019). Joint comprehension plan of action (JCPOA) and its effect on economic reactions of Saudi Arabia against Iran. *Strategic Research Politics*, 7(26). 97-119. **(In Persian)**
20. KhodaBakhshi, L; Azghandi, A and Hermidas Bavand, (2020). Iran and Saudi Foreign Policy on Syria Developments (2019-2011), *International Studies Journal*, 16(3). 77- 95. **(In Persian)**
21. KhorasaniEsmaceli, P; Azhdari, B and Masoumi, M. (2019). Outward balancing of Saudi Arabia's new leadership against the Islamic Republic of Iran. *International Studies Journal*. 16(3). 113- 137. **(In Persian)**
22. Koelbl, S. (2020). *Behind the Kingdom's Veil: Inside the New Saudi Arabia under Crown Prince Mohammed bin Salman (Middle East history and travel)*. Miami: Mango.

23. Koushki, M and Bizhani, M. (2020). Study of the Causes of Saudi Arabia's attempt to securitization Iran's peaceful nuclear activities. *Scientific Journal of Security Horizons*. 13(47). 115- 148. **(In Persian)**
24. Maoudnia, H; Forouzan, Y and Alishahi, A. (2016). Transfer of power in Saudi Arabia: The effects of a change of governance on the structure of Saudi Arabia's foreign policy. *Political and International Approches*. 8(47).137-172. **(In Persian)**
25. Menoret, P. (2016). Repression and Protest in Saudi Arabia. *Crown Center for Middle East Studies*. (101). 1-9.
26. Nemati. A and HajiYousefi. A. (2019). Great Changes in the Relation between Saudi Arabia and the Zionist Regime Reasons and Contexts. *Scientific Journal of Security Horizons*. 12(44). 148- 184. **(In Persian)**
27. Qadhi, Y. (2020). *Salafism: Between Fact and Fiction*. London: Oneworld Publications.
28. Rasheed, M. (2021). *The Son King: Reform and Repression in Saudi Arabia*. Oxford: Oxford University Press.
29. Resnick. E. (2018). *The Case of Jamal Khashoggi :America's Obsolete Alliance with Saudi Arabia*. NewYork: The RSIS Commentary.
30. Seifi, A. (2020). .50(2). Neoclassical Realism: A Framework for Assessing Saudi Arabia's Foreign Policy toward Islamic Awakening. *Politic Quarterly*. 611-627. **(In Persian)**
31. Taheri, S.M. (2017). The rule of clan-based political system in Saudi Arabia. *Quarterly Journal of Regional Research*. 5(15). 43-67. **(In Persian)**
32. Ulrichsen, K. (2019). *Mohammed bin Salman and Religious Authority and Reform in Saudi Arabia*. Houston: Rice University Press.
33. Wright, R. (2018). The White House Coverup of the Saudi Coverup of the Jamal Khashoggi Murder. *NewYorker*, 29 November 2018.
34. Wilson, O. (2019). *Murder in Istanbul: Jamal Khashoggi, Donald Trump and Saudi Arabia*. NewYork: Gibson Square.

35. Yazdani, E. (2016). A Clarification of the Impact of the Civil Crisis in the Saudi Arabia on the Occurrence and Management of the Disaster of Mina. *A Scientific- Research- Based Quarterly Political Science*. 19(73). 7-32.

